

## عوامل حیاتی برای بازیابی زندگی کلیسایی

پیام شش

### عامل رسیدگی به خلق و خوی طبیعی ما برای رشد ما در حیات و سودمند بودنمان در خدمت

مطالعه متون مقدس: متی ۱۶: ۲۲-۲۶؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛

دوم قرنتیان ۱: ۸-۹؛ ۲: ۱۵؛ ۳: ۳-۶؛ ۴: ۵؛ ۵: ۲۰؛ افسسیان ۶: ۲۰

#### ۱. ما باید برای رشدمان در حیات و سودمند بودنمان در خدمت، به خلق و خوی طبیعی خود رسیدگی کنیم:

آ. خلق و خوی طبیعی دلالت دارد بر سرشت مادرزاد ما، و کاراکتر [منش یا سیرت] ما همان ابراز ظاهری خلق و خوی طبیعی ماست؛ ما آنچه دروناً هستیم، خلق و خوی طبیعی است، و کاراکتر، آنچه در ظاهر ابراز می‌کنیم می‌باشد.

ب. خلق و خوی طبیعی درونی و کاراکتر ظاهری، عصاره، جوهر وجودمان هستند؛ نفس یا خویشتن درون، خلق و خوی طبیعی ماست، و کاراکتر ما، ابراز خودمان است.

پ. آنچه بیشترین لطمه را به سودمند بودن ما در زندگی مسیحی و زندگی کلیسایی می‌زند، زیستن ما بر طبق خلق و خوی طبیعی ماست؛ آن، دشمن واقعی رشدمان در حیات الهی بوده و عامل اصلی برای تباه کردن سودمند بودنمان در دست خداوند است.

ت. ما باید بیاموزیم که مراقب «گره» در سرشتمان، خلق و خوی طبیعی‌مان، باشیم؛ اگر به این «گره» رسیدگی کنیم، سریع و بدون هیچ مانعی برای رشدمان در حیات، رشد خواهیم کرد، و همچنین برای خداوند سودمندتر خواهیم بود.

ث. خلق و خوی دلالت دارد بر واژه‌هایی که در متی ۱۶: ۲۳-۲۶ بکار برده شده - "ذهن"، "خودش"، و "جان [زندگی روان]"؛ خلق و خوی شامل همه این عناصر است؛ در واقع، ما می‌توانیم بگوییم که خلق و خوی طبیعی ما همان نفسمان است.

ج. رسیدگی به خلق و خوی طبیعی ما به معنای رسیدگی به نفسمان، جانمان [زندگی روان] (آ. ۲۲-۲۶)، انسان کهنه ما (رومیان ۶: ۶)، و «من» (غلاطیان ۲: ۲۰) است؛ اینکه شما چه مقدار برای خداوند سودمند بوده و یا چقدر برای کلیسا مشکل ایجاد خواهید کرد، بستگی دارد به مقدار کشته شدن خلق و خوی طبیعی شما؛ راه رسیدگی به خلق و خوی طبیعی ما این است که دریابیم و به یاد داشته باشیم که ما اشخاصی مصلوب هستیم و اینکه در طول روز تحت چنین درک و واقعیتی بمانیم (آ. ۲۰؛ ۵: ۲۴-۲۵؛ رومیان ۶: ۶؛ ۸: ۱۳ ب).

چ. خلق و خوی طبیعی ما همان نفسمان است، که در ما بوده و خود ماست؛ به طور عملی، انکار نفس در واقع انکار خلق و خوی طبیعی ماست؛ به عنوان مسیحیان، ما باید توسط بکار بردن روحمان به طور دائم، نفسمان را انکار کرده و توسط حیاتی دیگر، [یعنی] مسیح مصلوب شده و رستخیز کرده، که توسط درخت حیات نشان داده شده، زیست کنیم - پیدایش ۲: ۹؛ فیلیپیان ۱: ۲۱؛ مکاشفه ۲: ۷؛ اول پطرس ۲: ۲۴؛ اول تیموتائوس ۴: ۷-۸.

#### ۲. ما نباید در کار خداوند توسط خلق و خوی طبیعی خود محدود شویم؛ در عوض، باید بیاموزیم که در زندگی، با خودمان، [یعنی] خلق و خوی خود، مخالفت کنیم؛ هر چه داریم و هر چه از ما صادر می‌شود نمی‌تواند در خدمت خداوند آورده شود - رومیان ۱: ۹؛ ۷: ۶؛ دوم قرنتیان ۳: ۳-۶؛ ۴: ۵

آ. خلق و خوی طبیعی بعضی از برادران بازتاب یک اعتماد به نفس قوی است؛ اعتماد به نفس آنها باید توسط انکار نفسشان به طور دائم، و توسط تکیه کردن بر خدای سه‌یکتای رستخیز

دهنده، واژگون شود - ۱: ۸-۹.

ب. یک انسان هر چه کمتر توسط خدا روشن شود، بیشتر فکر می‌کند که در اطاعت از خدا مشکلی نخواهد داشت؛ یک انسان هر چه سریع‌تر و بلندتر ادعا کند، بیشتر ثابت می‌کند که او هرگز بهایی نپرداخته است؛ کسانی که با کلامشان وانمود به نزدیکی با خدا می‌کنند، احتمالاً از او دورترند - متی ۶: ۱-۶، ۱۶-۱۸؛ لوقا ۱۸: ۹-۱۴؛ فیلیپیان ۳: ۳.

پ. خلق و خوی طبیعی بعضی از برادران این است که تا وقتی که شرایط درست نیست یا موقعیت-ها شایسته نیستند، از کار کردن امتناع می‌کنند؛ ما باید خلق و خوی طبیعی را که مستلزم محیط بخصوصی است تا بتواند کاری انجام دهد، رد کنیم - اول پطرس ۴: ۱؛ اول قرنتیان ۹: ۲۳-۲۷.

ت. ما باید توسط یک زندگی که قادر به وفق داده شدن با همه اوضاع، قادر به تحمل هر نوع رفتار، قادر به پذیرفتن هر نوع محیط، قادر به کار در هر موقعیت، و قادر به استفاده از هر نوع فرصت برای اجرای خدمتگزاری، است، به همراه خدا کار کنیم؛ ما باید رمز تجربه کردن مسیح در هر چیز و هر مکان را بدانیم - دوم قرنتیان ۶: ۱-۲؛ فیلیپیان ۴: ۵-۹، ۱۱-۱۳.

ث. نوعی خلق و خوی طبیعی، «قهرمان» بودن است؛ این افراد باید همه کار را به نحوی تحسین-انگیز، بی‌عیب و کامل انجام دهند؛ نوعی دیگر از خلق و خوی طبیعی، «غیر-قهرمان» بودن است؛ افراد

غیر-قهرمان هیچ کاری را به طور دقیق یا کامل انجام نمی‌دهند.

ج. برخی برادران مسئول، عنصری قوی در خلق و خوی خود دارند که آنها را از هماهنگی و همکاری کردن با دیگران بازمی‌دارد؛ این افراد معمولاً خیلی توانا بوده و همچنین می‌توانند خیلی آسان در زندگی کلیسایی باعث ایجاد مشکل شوند؛

چ. برخی دیگر از برادران مسئول شاید دارای یک خلق و خوی طبیعی باشند که مایل است که همه دوستشان داشته باشند و از آنها نرنجند؛ این تأثیر آنها را در کار خداوند محدود می‌کند، زیرا وقتی که خداوند از طریق آنها خواستار گفتن کلامی رک و راست به مقدسین برای نصیحت یا هشدار است، آنها این کار را نمی‌کنند - ر.ک. کولسیان ۱: ۲۷-۲۹؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳ اول قرنتیان ۱۰: ۱-۵؛ عبرانیان ۳: ۷-۱۹؛ ۱۲: ۲۵.

۱. علاوه بر این، کسانی که دارای یک چنین خلق و خوی هستند، قادر به ابراز «آتش غریب» عاطفه طبیعی نسبت به مقدسین هستند، حتی تا به حدی که باعث می‌شود آنها تشخیص درست و نظارت مناسب در مراقبت از کلیسا، مقدسین، و کار را نداشته باشند - لاویان ۲: ۱۱؛ ۱۰: ۱-۲؛ اعداد ۶: ۶-۷؛ فیلیپیان ۱: ۹؛ اول پطرس ۲: ۲۵؛ ۵: ۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷.

۲. بخش اصلی نذر نذیره این است که خود را از حس مرگی که از طریق عاطفه طبیعی می‌آید جدا کنیم (اعداد ۶: ۶-۷)؛ همچنین، هدیه آردی که بدون غسل است بدین معناست که در مسیح عاطفه طبیعی یا نیکویی طبیعی وجود ندارد (لاویان ۲: ۱۱؛ متی ۱۲: ۴۶-۵۰؛ مرقس ۱۰: ۱۸).

ح. منشأ هر نوع سرکشی در بین ما، خلق و خوی طبیعی اشخاص بوده است؛ جاه طلبی برای مقام (که از شیطان می‌آید) عنصر اولیه خلق و خوی هر شخص سقوط کرده است؛ ریشه اختلاف، نفس، [یعنی] خلق و خوی طبیعی است - اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۳؛ اعداد ۱۲: ۱-۲؛ ۱۶: ۱-۳؛ اول سموئیل ۱۵: ۱۰-۱۲؛ متی ۱۸: ۱-۴؛ ۲۰: ۲۰-۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۵-۲۷؛ دوم قرنتیان ۱۰: ۴-۵.

خ. دوم پادشاهان ۴: ۸-۱۰ به ما حکایت زن شوئمی را ارائه می‌دهد که از ایشع پذیرایی کرد بدین صورت که هرگاه ایشع از آن جا می‌گذشت، به او غذا می‌داد؛ او یک پیام نداد و یا یک معجزه نکرد، ولی آن زن توسط طرز غذا خوردن ایشع، او را به عنوان «مرد مقدس خدا» شناسایی کرد؛ این تأثیر ایشع بر دیگران بود، پس ما باید از خود پرسیم، «تأثیر ما بر دیگران چیست؟» - ر.ک. دوم قرنتیان ۲: ۱۵؛ ۵: ۲۰؛ افسسیان ۶: ۲۰.

د. اگر خداوند انسان ظاهری با خلق و خوی طبیعی ما را در هم شکنند، ما دیگر نفس قوی خود را

به هنگام تماس با دیگران، به آنها ارائه نمی‌دهیم؛ در عوض، هرگاه با انسانها تماس برقرار می‌کنیم، روحمان جاری خواهد شد؛ این برای ما غیر ممکن است که از مشکلات خلق و خوی طبیعی خود خلاص شویم، ولی این کار برای خداوند امکان پذیر است - یوحنا ۷: ۳۷-۳۸؛ لوقا ۱۸: ۲۴-۲۷؛ ۱۹: ۲.

۳. روح به انسان ظاهری ما، نفس ما، خلق و خوی طبیعی ما، توسط عنصر کاشنده صلیب در روح مرکب، توسط تأدیب روح، توسط درخشش مسیح به عنوان روح، و توسط زندگی کلیسایی، میوه آوردن، و بره تغذیه کردن، رسیدگی می‌کند:

آ. ما برای رسیدگی به خلق و خوی طبیعی باید نفس را انکار کرده و قدرت کاشنده صلیب را بکار ببریم؛ باید در تجربه خود ببینیم و دریابیم که روح مرکب شامل تمام در روحمان شامل مرگ ارزشمند مسیح و شیرینی و تأثیر مرگ مسیح است که قادر به کشتن خلق و خوی طبیعی ماست - خروج ۳۰: ۲۳-۲۵؛ فیلیپیان ۱: ۱۹؛ رومیان ۸: ۱۳:

۱. مسیح به عنوان روح مرکب، داروی ما برای شفای ما، سرزنده کردن ما، و کشتن تمام چیزهای منفی در درون ماست؛ وقتی او را به عنوان داروی خود بر می‌گیریم، از حمل کردن «مرگ عیسی» یا به مرگ سپرده شدن به خاطر عیسی، مسرت می‌بریم - دوم قرن‌تینان ۴: ۱۱-۱۰.

۲. عنصر کاشنده صلیب در روح است؛ وقتی که ما صبح گاه، خود را رد می‌کنیم تا خدا را در درونمان دریافت کنیم، در طول روز این حس را داریم که یک فرایند گذشته در درونمان رخ می‌دهد.

ب. هدف تأدیب روح‌القدس برای ما این است که ما انسانی شکسته شویم؛ خدا قبل از اینکه بتواند راهی در ما بیابد، باید ما را در جای ناتوانی محض و درماندگی کامل قرار دهد؛ مقصود از رنجهایی که می‌کشیم این است که منفعت شناخت خدا را دریافت کنیم تا او ابراز شود - ۱: ۸-۹؛ ۱۲: ۱۰-۹؛ اشعیا ۴۰: ۲۸-۳۱؛ هوشع ۶: ۱-۳:

۱. شکسته شدن انسان ظاهری همان شکسته شدن خلق و خوی طبیعی ماست؛ خلق و خوی طبیعی ما، رها کردن روحمان را مشکل می‌سازد؛ شخصی که توسط خدا شکسته نشده نمی‌تواند عهده‌دار کار خدا باشد؛ ما آنچه در اصل هستیم، از جمله ظاهر طبیعی و طعم ما، همانند و موافق خدا نیست - ارمیا ۴۸: ۱۱.

۲. ما هرچه از آغاز تولد هستیم، چه خوب یا بد، چه سودمند یا نه، طبیعی بوده و کلاً برای روح‌القدس، به جهت تشکیل حیات الهی در درون ما، یک مانع است؛ بدین دلیل قوت طبیعی ما، حکمت طبیعی، هوش طبیعی، خلق و خوی طبیعی، کوتاهی‌های طبیعی، صفات طبیعی، علاوه بر کاراکتر و عادات ما، جملگی باید متلاشی شوند تا روح‌القدس بتواند در ما یک خلق و خوی نو، کاراکتر نو، عادات نو، صفات نو، و خواص نو را شکل دهد.

۳. برای به انجام رساندن کار بازساخت، روح‌القدس خدا درون ما حرکت می‌کند تا ما را با حیات الهی روشن کرده، الهام بخشد، رهبری و اشباع کند؛ او همچنین در محیط ما کار می‌کند تا هر جزء، شخص، مورد، و چیز در وضعیت ما را ترتیب دهد برای آنکه همه جوانب وجود طبیعی ما را فرو ریزد تا بتواند ما را همشکل صورت مسیح به عنوان پسر نخست زاده خدا سازد - رومیان ۸: ۲۸-۲۹.

۴. همه چیز در شرایط ما، توسط خدا برای ما اندازه‌گیری شده؛ او همه چیزهای اطراف ما را ترتیب می‌دهد، که تنها مقصود آن، شکستن بخش‌های چشمگیر، بی‌حس و سخت ماست - مزامیر ۳۹: ۹؛ متی ۱۰: ۲۹-۳۰؛ لوقا ۱۲: ۶.

۵. اگر انسان ظاهری شکسته نشود، انسان باطنی رها نخواهد شد؛ ظرف خاکی می‌بایست شکسته شود تا گنجینه بتواند رها گردد (دوم قرن‌تینان ۴: ۷)؛ تا وقتی که مرهم در ظرف

مرمرین باشد، عطر پخش نخواهد شد (یوحنا ۱۲: ۳).

۶. شخصی که شکسته نیست نمی‌تواند تسلیم دیگران شود؛ فقط کسانی که مسیح را به عنوان زندگی تسلیم کننده خود تجربه کرده‌اند، طغیان‌گری خلق و خوی طبیعی خود را می‌شناسند - فیلیپیان ۲: ۵-۸.

۷. هر که خودستا باشد شکسته نشده، هر که دیگران را مقصر می‌کند شکسته نشده، هر که فکر می‌کند چیزی است وقتی که هیچ چیز نیست، شکسته نشده، و هر که با دیگران رقابت دارد شکسته نشده است - ۳: ۳؛ اول قرنتیان ۶: ۷؛ غلاطیان ۵: ۲۵-۲۶؛ ۳: ۳.

۸. کسی که هرگز تحت فشار، بدرفتاری، حقارت قرار نگرفته و توسط دیگران ضرر ندیده، خام، وحشی، و برای خدا بی‌سود است؛ ما نباید این برداشت غلط را داشته باشیم که چون از جانب خدا فرستاده و فرا خوانده شده‌ایم و کار او به ما سپرده شده است، همه مقدسین ما را ستوده و احترام خواهند کرد؛ آن که امروز به ما احترام می‌گذارد شاید فردا ما را مسخره کرده، لگد مال کند؛ این راه کسی است که خدا را خدمت می‌کند - یوحنا ۲: ۲۳-۲۵؛ اعمال ۱۱: ۱۱-۱۳، ۱۳-۱۸، ۲۱-۲۲؛ مرقس ۸: ۱۱-۱۰؛ ر.ک. ۱۵: ۹-۱۵.

پ. رهایی یافتن از خلق و خوی طبیعی ما همچنین از درخشش درونی مسیح به عنوان نوری بزرگ می‌آید؛ این درخشش، دیدن آنچه خدا می‌بیند است - امثال ۴: ۱۸؛ ۲۰: ۲۷؛ مزامیر ۱۸: ۲۸-۲۹؛ متی ۴: ۱۶؛ لوقا ۱۱: ۳۴-۳۶؛ اعمال ۹: ۳-۵؛ ۲۲: ۶-۱۰؛ ۲۶: ۱۳-۱۹؛ افسسیان ۵: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۱۵-۱۶.

۱. بزرگترین مورد در تجربه مسیحی، کشته شدنی است که از درخشش نور الهی می‌آید؛ آن درخشش، نجات است، و دیدن آن، رهایی می‌باشد؛ هرکه حقیقتاً بینشی از خداوند در جلالش را ببیند، درباره ناپاکی خود در وجدانش روشن خواهد شد - اشعیا ۶: ۱-۸.

۲. خداوند به ما نور بسیار می‌بخشد تا ما را افشا کرده و فروتن کند؛ فقط این نوع درخشش می‌تواند غرور ما را بردارد، و فقط این نور فعالیت‌های جسمانی ما را متوقف کرده و پوسته بیرونی با خلق و خوی طبیعی ما را می‌شکند؛ ما هرچه بیشتر خدا را ببینیم، خدا را بشناسیم، و عاشق خدا باشیم، بیشتر از خودمان کراهت داریم و خود را انکار می‌کنیم - ایوب ۴۲: ۵-۶؛ متی ۱۶: ۲۴؛ لوقا ۹: ۲۳؛ ۱۴: ۲۶.

۳. ما نباید سعی کنیم با کوشش نفس، خلق و خوی طبیعی‌مان، بزرگواری یا بردبار باشیم؛ بلکه ما باید بیاموزیم که در نور خدا سجده کنیم، شکستن توسط او را دریافت کنیم، و به محیط اجازه دهیم که ما را شکسته و فرو ریزد.

ت. اگر ما در دست خداوند برای مراقبت از دیگران سودمند نیستیم، به خاطر خلق و خوی طبیعی ماست؛ زندگی کلیسایی، میوه آوردن، و بزه خوراک‌دادن، سه مورد برای کشتن خلق و خوی طبیعی ما هستند؛ برای رسیدگی به خلق و خوی طبیعی، ما باید توسط تماس با خدا به جهت تزریق شدن با او به عنوان فیض، خدا را محبت کنیم، و باید توسط تماس با مردم به جهت تزریق آنها با خدا به عنوان فیض، آنها را محبت کنیم - یوحنا ۲۱: ۱۵-۱۷؛ افسسیان ۳: ۲؛ ۴: ۲۹؛ اول پطرس ۴: ۱۰.

۴. رسیدگی خدا به یعقوب تصویری کامل از تأدیب روح‌القدس و کار دگرگونی او در ایمانداران عهد جدید برای رسیدگی به خلق و خوی طبیعی آنهاست تا مسیح بتواند در آنان شکل گرفته و کاملاً رشد کند تا بالغ شوند؛ این برکت خدا به ماست و اینکه او ما را برکتی برای دیگران می‌کند تا آنها بتوانند با توزیع الهی تثلیث الهی، تأمین شوند - رومیان ۱۲: ۲؛ دوم قرنتیان ۳: ۱۸؛ عبرانیان ۶: ۱؛ پیدایش ۱۲: ۱-۳؛ حزقیال ۳۴: ۲۶؛ اعداد ۶: ۲۲-۲۷.

آ. زندگی یعقوب نشان می‌دهد که یک شخص طبیعی باید شکسته شود تا تبدیل به اسراییل، شاهزاده خدا، گردد؛ آنچه خدا از طریق محیط ما آن را فرو می‌ریزد، نفس بی‌ارزش ما، خلق و خوی طبیعی ماست؛ ولی آنچه خدا در درونمان می‌سازد خودش است، همان کسی که بی‌نظیر،

والا مقام، و بی کران است - اول قرن‌تین ۳: ۱۲.  
ب. خدا مقدر کرد که ایوب در تمام روزهایش یک زندگی پر تقلا داشته باشد؛ او با حاکمیت مطلق، هر شرایط، وضعیت، و شخص در زندگی یعقوب را ترتیب داد تا بتواند یعقوب، که یک مکار و پاشنه‌گیر بود را به صورت اسراییل، شاهزاده خدا، دگرگون کند - پیدایش ۲۵: ۲۶؛ ۳۲: ۲۴-۳۲.

پ. پر قدرت‌ترین اظهار بلوغ حیات در یعقوب (آخرین مرحله دگرگونی) این حقیقت است که یعقوب همه را برکت می‌داد؛ دستهای مکار او تبدیل شدند به دستهای برکت دهنده؛ برکت دادن، لبریز شدن خدا به عنوان حیات به دیگران از طریق بلوغ در حیات است - ۴۷: ۷، ۱۰؛ ۴۸: ۱۴-۱۶؛ ۴۹: ۱-۲۸.